

سازمان مجاهدین خلق به امام خمینی باید تکلیف ما را با این اوضاع شخص فرمایند

سازمان مجاهدین خلق ایران نامه سرگشاده به امام خمینی برای حمله به محل استقرار پیش ملی مجاهدین در قهرابطور گزارش کرده است. در این نامه مفصل پس از ذکر وقایع و تحریکات وسیعی که این روزها در سراسر کشور بر علیه مجاهدین خلق در جریان است آمده است: اکنون حضرت آیت الله با عطف توجه به مراتب بالا و همچنین با عنایت به اعلامیه امروز مرکز پاسداران شهر قم (که بیسجوجیه به بقیه در صفحه ۸)

شنبه  
۱۶  
تیر ۱۳۵۸  
۹۲ شعبان ۱۳۹۹  
۷ ژولیه ۱۹۷۹

# پیغام امروز

شماره ۱۰۰ دوره جدید سال بیستم شماره ۱۵ نال

ماجرای سه مرحله تحریک علیه مجاهدین خلق در مشهد

## پاسداران در مشهد بمحل جوانان مجاهد شبیخون زدند و ۴ نفر را مجروح کردند

غیرننگاران پیغام امروز از مشهدگزارش دادند: طی ۳۴ ساعت گذشته، یک موج هدایت شده، در سه مرحله مختلف، علیه ستاد مجاهدین خلق و جتیش جوانان مجاهد، به فعالیت پرداخت. آخرین حرکت این موج، محاصره ستاد مجاهدین خلق، در خیابان بهشت بود، که تاظهر دیروز ادامه داشت، و هنگامی که مجاهدین خلق، با سینه‌های باز یک صدگفتندما برای شهادت آمده‌ایم، و از برابر افراد مسلح آماده شلیک‌گشتند، درواقع محاصره ضعیف شد.

این گروه مجاهد به داخل ستاد رفتند، و برای اعتراض به محاصره ستاد، با مقامات مختلف شهر از روحانیان، تا مسئولان انتظامات تماس گرفتند. کسی به آنها جواب نداد. و فقط رئیس پاسداران گفت، به دستور او، برای تخلیه ستاد از مجاهدان، افراد مسلح اعزام شده اند.

**حمله شبانه**  
حادترین برخورد شب‌جمعه در محل جتیش جوانان مجاهد اتفاق افتاد، که از دوبعداز نیمه شب به محل استقرار آنها از خیابان کوه سنگی حمله شبانه و تیراندازی

بقیه در صفحه ۸

## ریشه کنی امپریالیسم یا بهانه برای آشتی؟

سخنرانی آخر آقای مهندس بازرگان، تکلیف همه چیز را روشن کرد: در ایران انقلاب شده است اما دولتیها نمی‌توانند انقلابی عمل کنند، و با وجود انقلاب، و طرد رژیم مرزگون شده، ایران «چما دورا» با شمشیر دیگری سالیهای سال در اسارت رژیم طاغوتی شاهنشاهی می‌ماند.

و با این استدلال، باید تن به قبول تمام تعهدها، غناینها، نادرستیها و مملکت فروشی‌های رژیم سابق داد، زیرا، اگر نخواهیم، اسب مصلحت‌بانی، و اگر نخواهیم جای چشم‌پندکنونی، با چشمهای باز حرکت کنیم، ضررهایی که شاه مطرود و رژیمش به ایران زده‌اند، پیش پای ما خواهد بود.

البته این استدلال درستی نیست. و دولتی که مذهب است، در راه دکتر مصدق قدم برمی‌دارد، با چنین عذر نرانیها، فقط خلاف ادعای خود عمل می‌کند. ولی مگر از آنچه دولت تا امروز پیش گرفته، در مبارزه با امپریالیسم و در سیاست ملی کردن بانکها مسا استنباط دیگری داشته‌ایم.

آنچه آقای مهندس بازرگان، در قطع ریشه‌های ارتباط با امپریالیسم عنوان می‌کنند، فقط به منزله عذر

بقیه در صفحه ۸

## صنایع بزرگ کشور دولتی شدند

بازرگان: ما این قانون را ۵ ماهه زایدیم و سزاین و ختنه‌اش را شورای انقلاب کرد

قانون دولتی شدن صنایع که در دو ماده تدوین شده از سوی نخست وزیر اعلام شد. همچنین دیروز دولت موقت پیرو قانون دولتی شدن صنایع ایران اعلامیه‌ای صادر کرد. و طی آن از کارگران و کارکنان آنها خواست که در حفظ و حراست واحدهای تولیدی بکوشند.

قانون دولتی شدن صنایع که در دو ماده تدوین شده از سوی نخست وزیر اعلام شد. همچنین دیروز دولت موقت پیرو قانون دولتی شدن صنایع ایران اعلامیه‌ای صادر کرد. و طی آن از کارگران و کارکنان آنها خواست که در حفظ و حراست واحدهای تولیدی بکوشند.

بقیه در صفحه ۸

## دربی دعوت آیت الله عزالدین حسینی از کشاورزان اتحادیه‌های دهقانی بسرعت گسترش می‌یابد

سخنگوی جمعیت رهایی زحمتکشان کردستان: چند هزار قبضه سلاح پادگان جلدیان بین افراد قیاده موقت توزیع شده

سخنگوی جمعیت رهایی زحمتکشان کردستان ضمن تماس با پیغام امروز گفت: اتحادیه‌های دهقانی بسرعت گسترش می‌یابد و در پی دعوت آیت الله عزالدین حسینی از کشاورزان مینی برتشکل در اتحادیه‌ها دهقانان و خوش‌نشینان استقبال زیادی از این اتحادیه‌ها بعمل آورده‌اند. از طرف دیگر فتودالها بمنظور

بقیه در صفحه ۸

## فاشیسم: کالای امپریالیستی

تنها در قالب وزیران، معاونان و مدیرکلان نیست که می‌توان سایه‌ی از تمصب را، جانشین آزاد اندیشی، و جوهر انصاف دید، و دید که چگونه آزادی دیگران را، پس از استیلا بر موضع قدرت، به اندازه کارگزاران رژیم منحل، مزاحم و محدود شدنی می‌پندارند.

بلکه در نوع تازه‌ی از مبارزه به اصطلاح روشنفکری الهام گرفته از «حزب معلوم» که به گروه «الیت» و برگزیده این جماعت اختصاص دارد، ما، با چهره وحشتناک فاشیسم، و آموزشهای ویرانگر فاشیستی رویارو هستیم. نگاهی به صفحه مقالات ارسال شده این افزاینده در روزنامه‌های بزرگ مصر که گویا تریبون صاحب‌نظران حزب معلوم بشمار می‌آیند به آسانی، خطر استعجال شتابزده جنبش آزادخواهانه و آزادگراییانه جامعه‌ها، به یک حرکت لبریز از سکتاریسم و تمصب غم‌نازی، زیر سرپوش مذهب گرایی، نشان می‌دهد.

کسانی که فراتر از جلو پای خود را، می‌بینند، به یاد دارند که هدف امپریالیسم در ایران، از سال ۱۳۴۲ ایجاد یک حزب فاشیستی در ایران بود، و نقش منفور در

بقیه در صفحه ۷

## هشدار مجاهدین خلق درباره محاکمه تقی شهرام دشمنان خلق با دامن زدن به جنگ مذهبی و غیرمذهبی، خواستار فراموش شدن مبارزه برضد امریکاهستند

بدنبال دستگیری تقی شهرام و جنجال پاره‌ای از روزنامه‌ها و اطلاعیه سپاه پاسداران، سازمان مجاهدین خلق ایران درباره سوء استفاده ارتجاعی عناصر و احزاب راستگرا از این محاکمه هشدار داد. متن بیانیه مجاهدین خلق چنین است:

چنانکه عموم مردم ما و بویژه اقشار آگاه و روشنفکر مطلعند، در سال ۵۴ یک جریان انحرافی چپ‌نما یا اعمال روشهای «سند انقلابی» بر سازمان مجاهدین خلق ایران متن بیانیه مجاهدین خلق چنین است:

بقیه در صفحه ۲

## همافران امروز متحصن میشوند

همافران نیروی هوایی اعلام کردند که از تاریخ ۱۶ تیر (امروز) تا نتیجه گیری کامل در تمام پایگاههای نیروی هوایی دست به

بقیه در صفحه ۸

## فانتزی اجتماعی:

### آنها که از قدرت آویخته‌اند

هرچه از نقطه تسلیم مملتاریسم وابسته، دور می‌شویم، و حکومت می‌رود که حالت راکد و قالب خود را پیدا کند، سروکله خدمه رژیم منحل بطور مریی و نامریی، گرد ارگانهای گوناگون دولتی بیشتر ظاهر می‌گردد. و این نازگی ندارد.

مگر «آقاچری» موصوف خودما، یکی است؟ و راستی چه فرقی بین آن رند هب‌زنده‌ها در منصوب به پسرخانم فخرالدوله با «آقاچری» عینک ته استکانی است؟

این رفیق نیمه‌راه میدان، ولی حریف خستگی ناپذیر شب‌های بنگ و باهه، و وقتی ناجوانراندانه، به یاران یک برهه از راه‌پیمایی جنگی پاییز و زمستان خود بچغان می‌بندد، فرقی با «آقاچری» چیست؟ پرونده ساختن، و به مخالفان سیاسی، نسبت ناروا دادن، فقط برای مأموران «ساواک» و ههربانی جرم نیست. برای کسی هم که داعیه آزاد

بقیه در صفحه ۲

## پاران غارمی‌نوش

باید روزی به زبان می‌آمد، خاطره‌ی که به یک افسانه گم شده شبیه است. و یادبود مرگ یک قهرمان، این خاطره را تازه کرد.

اگر از مردمی، که همچون یک «پرومته» زیست، و مردانه مرد، چنانکه سزاوار دلوران انقلابی است، روز ۱۴ تیر، یاد نمی‌کردند، اینجا و آنجا، خاطره هم از یاد می‌رفت. آخر «ابولفضل فرهی» از آخرین بازماندگان آن کاروان بود.

سالهای اشغال بود، و شهرها پر از آزادی، اما هنوز مردم، از گذشته بیم داشتند و با اشاره یاد می‌کردند. و ما، در سالهایی سرگردان بودیم که گذشته را هیچ نمی‌شناخت، و گمان می‌برد، همه تاریخ در دیروز خلاصه شده است تا امروز فصل‌ها درشت تر نوشته شود، و تردید نداشتیم که آینده را دستهای ما، توانا تر و آگاه تر از تمام نسلهایی که پیش از ما بودند، رقم خواهد زد.

غارهای «می‌نوش»، کم‌وبیش، حدود دو فرسخ با شهر ما مشهد فاصله داشت. دو قلوه‌های طلا و نقره کوه سنگی

بقیه در صفحه ۷

## معاون دادسرای تهران توضیح می‌دهد

### منع تظاهرات و میتینگ در دادگستری برای حفظ حقوق دادخواهان و متحصنین است

آقای سردبیر روزنامه پیغام امروز مطلبی که در صفحه اول شماره ۹۴ مورخه شنبه ۹ تیرماه ۱۳۵۸ تحت عنوان «آقای دادستان چرا تصنع و اجتناع نادخواهی ممنوع باشد؟» درج شده بود که متاسفانه میبایستی حمل بر بی‌توجهی باشد؟

بقیه در صفحه ۷



به توصیه آیت الله طالقانی

خانواده های مجاهدین خلق  
به تحسن خود پایان دادند

مجاهدین: مدارک مستند دیگری در رابطه با این توطئه آماده انتشار داشتیم که به حساب الامر آیت الله طالقانی فعلا سکوت را ترجیح دادیم

بنابه توصیه آیت الله طالقانی، خانواده شهدا و زندانیان مجاهدین خلق، صبح پنجشنبه به تحسن خود در دادگستری پایان دادند. در این مراسم که با حضور چند هزار تن برگزار شد، ابتدا اعلامیه سازمان مجاهدین خلق درباره توصیه آیت الله طالقانی خوانده شد: «شب گذشته حضرت آیت الله العظمی طالقانی نمایندگان مجاهدین خلق ایران را بحضور پذیرفته و مقرر فرمودند که ضمن ابلاغ سلامهای ایشان بمادران خانواده های شهدا و زندانیان متحصن در کاخ دادگستری تحسن آنان خامه یابد. همچنین مدارک مستند دیگری در رابطه با توطئه دستگیری و شکنجه مجاهد اسیر که برخی از آنها با اطلاع حضرت آیت الله العظمی نیز رسیده است آماده انتشار داشتیم که حسب الامر ایشان فعلا سکوت را ترجیح میدادیم. بدیسی است که مبارزه دراز مدت ما در کف حمایت طبقات و اقتضای مختلف خلق قهرمان با ارجحان و استبداد کماکان بقوت خود باقیست. باسلام انقلابی به جمع نیرو- های حق طلب و آزاده ای که در این ایام از هیچ حمایت و فداکاری در تایید فرزندان، خواهران و برادران مجاهد خود فروگذار نگردد. پیام خانواده مجاهدین خلق سپس پیام مادران و خانواده های شهدا، زندانیان و اعضای مجاهدین خلق، توسط مادر رضایی های شهید قرائت شد. او همچون فرزندان بیرومنش، مصمم و استوار بر ادامه مبارزه علیه ارجحان و استبداد تاکید کرد و گفت: هموطنان عزیز، ما بخوبی میدانیم که قهرمانها و مبارزان دلیرانه شما در این ایام صرفا محطوف فرد یا گروه بخصوص نیست، بلکه شما بخاطر حفظ حرمت و تقدس خونهای پاک

هشدار مجاهدین

بقیه از صفحه ۱  
مسلط شده و با سوء استفاده از غیبت بنیانگذاران شهید و سایر مسئولین مرکزی سازمان که در آن موقع در زندانها و شکنجه گاههای رژیم شاه بسر میبردند، تشکیلات یکپارچه مجاهدین خلق ایران را بطور موقت متلاشی نمود. جریان سزبور در مسیر سلطه طلبی فرصت طلبانه خود به کشتار بیشماری از مجاهدین اصیل اقدام نمود و ستم از این اسباب نفاق و اختلاف درونی نیروهای خلقی را به بالاترین درجه فراهم کرد. همان تفرقه ضد انقلابی که آثار ارتجاعی آن هنوز نیز دامنگیر بسیاری از نیروهای بااصطلاح مسلمان است و به بهترین صورت مورد استفاده امپریالیست ها، این غدارترین دشمنان خلق، قرار میگیرد. لکن خوشبختانه مجاهدین واقعی توانستند با وحدت و تشکل افزاینده خود در مسیر یک کار پیگیر مکتبی و انقلابی با اپورتونیسیم مبارزه کرده و آنرا سرانجام مغلوب سازند. اطلاعیه ۱۲ ماده ای تعیین مواضع سازمان مجاهدین خلق ایران در برابر جریان انحرافی اپورتونیستی چپ نما که تدوین آن بلافاصله بعد از ضربه سال ۵۶ آغاز شده و کتاب «تحلیل آموزشی بیانیه اپورتونیست چپ نما» و کتاب «آموزش مواضع...» (از انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران) گواه تمام عیار این مبارزه پیگیر بوده و تمام جریان را از ابتدا تا انتها بتفصیل بررسی نموده است. تشویقاتی که بحق میتوان آنرا ادعایانه مجاهدین خلق ایران در برابر دست اندرکاران آن خواند- یعنی همان ادعایانه انقلابی و مکتبی که کلیه مواضع سیاسی-ایدئولوژیک مجاهدین خلق ایران را در این رابطه یدقت اعلام کرده است.

اکنون بدنیسالی دستگیری محمدتقی شپرام، پرچمدار جریان انحرافی فوق الذکر و اعلامیه ای که سپاه پاسداران در این مورد صادر کرده است و با توجه به اصول مقدس عقیدتی اسلام، مواضع خود را در قبال دستگیری و نحوه محاکمه بشرح زیر اعلام می داریم: ۱- از آنجا که کلیه جرائم ارتکاب شده از جانب متهم مستقیم یا غیر مستقیم در ارتباط با مجاهدین خلق ایران بوده است حضور نماینده سازمان در کلیه مراحل تحقیق و محاکمات ضروری است. حضور و نظارت نماینده سازمان در کلیه مراحل تحقیق بخصوص از این جهت ضروری تر می شود که اعتماد چندانی به دستگاههای کنونی تحقیق که از جمله مسئول توطئه دستگیری و شکنجه برادر مجاهد اسیرمان سیدمحمد رضا سعادت هستند نداریم و آنها را به لحاظ رخنه عناصر مشکوک و ارتجاعی دقیقا نفوذپذیر یافته ایم. بدیسی است که حساب عناصر مشکوک و مرتجع مطلقا از حساب رزمندگان راستین و پاسدار و سایر جوان-

مردان مامور خدمت در این دستگاهها جداست. ۲- محاکمه متهم بایستی در دادگاه خلق و از طریق هیات منصفه مرکب از نمایندگان طبقات و اقشار مختلف خلق رفیع دیده ما باشد. در غیر اینصورت هیچ دادگاه دیگری برای قضاوت در این مورد صلاحیت ندارد. چرا که جرائم متناسب به نامبرده جرائمی است مربوط به کل خلق و انقلاب ایران که از طریق خدشه دار کردن و آسیب رساندن و متلاشی نمودن یک سازمان انقلابی مردمی متحقق شده است. باشد که عملکرد ضد مردمی در مرض قضاوت عموم طبقات مردم محکوم گردد و الا صرف انهدام جسمی به هیچوجه مطمح نظر ما نیست. بنابراین مجاهدین خلق ایران در ورای هر نوع کینه کشی و خونخواهی و انتقام جوئی فردی و گروهی، قبل از هر چیز خواستار محکومیت عمومی طرز عملها و برخورد های انحرافی و ارتجاعی هستند. ۳- دقیقا در همین رابطه هشدار می دهیم که هرگونه سوءاستفاده ارتجاعی عناصر و ارجحان راست گرا از جریان تحقیق و محاکمه متهم از پیش محکوم بوده و در حقیقت چیزی جز تکرار بشرمانه همان جرائمی که متهم بخاطر آن محاکمه میشود نیست، تاکید ما بر این هشدار بویژه از این جهت ضروری است که طبیعتا نیروهای ارتجاعی همچون گذشته درصدد بر خواهند آمد تا بهر طریق، در جهت خدشه دار کردن و بی اعتبار ساختن و متلاشی کردن مجدد نیروهای اصیل مردمی منجمله مجاهدین خلق ایران، دستاویز بگویند. کما اینکه ما امروز چند سال پس از کشته شدن اعضایمان بدست فرصت طلبان چپ نما شاهد اسارت و شکنجه عضو دیگری به دست مرتجعین راست گرا هستیم. زمینه هشدارهای فوق تجربه ننگین دادگاه آرش و تهرانی است که در یک مرحله به جلسه محاکمه نیروهای انقلابی و شریف ترین مجاهدان جان بر کف این خلق، بخصوص شهید و الا مقام مرتضی صمدیه لباف تغییر صورت داده بود. همان جلسه ای که خانواده های شهدا نیز در محوطه بیرونی دادگاه با اختناق آمیزترین برخورد مواجه شدند. ۴- تحقیقات و محاکمه متهم بایستی وسیله دامن زدن به شعله های جنگ صلیبی و ایدئولوژیکی گردد که هم اکنون امپریالیست ها و دست نشاندهگان داخلی آنها به تاکید درصدد آن هستند. ما در درجه اول چنانکه گفتیم خواستار محکوم کردن یک مجموعه عمل انحرافی سیمه هستیم. طرز عملی که در نتیجه برد ضد امپریالیستی تمام خلق با انگشت گذاشتن بر تضادها اختلافاتی که در این مرحله اصلی نبودند مبارزه را از مسیر اصولی خود منحرف نمود و علیهذا اکنون نباید اجازه داد که محاکمه این نحو تادرس عمل به جنگ مذهبی و غیر مذهبی تبدیل شود. یعنی همان چیزیکه دشمنان خلق دقیقا خواستار آنند تا مبارزه ضد استعماری آمریکائی فراموش شود. ۵- هرگونه شکنجه، اهانت و رفتار غیر انسانی را بایستی در مورد متهم ممنوع کرد.

لایحه مطبوعات طرحی نه انقلابی

بقیه از صفحه ۱  
« اعلیحضرت خوشان می آید، من همینطور، محل در آمد داشته باشد و خرج کنم، ایشان از هیکل من خوشان می آید و خنده دار اینست که می گویند دفاع از لایحه مورد پس راهم در واقع، جای آقای وزیر یا معاون وزارتخانه، قبیل آقایان عهده دار بوده اند. ولی، حالا که وضع روشن شده است، و پیداس می خواهند چه به روز آزادی مطبوعات بیآورند، و چگونه می خواهند به استقبال قانون اساسی در امر آزادی مطبوعات بروند، نمی توان خاموش ماند. ما، یکبار نوشته ایم که این راه را، در دفاع از آزادی مطبوعات، به عنوان سرفصل تمام آزادیهای مقرر در اعلامیه حقوق بشر، و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، برای خود یک هدف و یک پرسش می شناسیم، و فشارهایی که در نخستین ماه های وزارت ارشاد ملی، به روزنامه ها وارد آمده است، غللی درین تلاش پدید نمی آورد. ما، با اختناق، به مبارزه برخاسته ایم، و نامی که به اختناق بدهند، ما را از مبارزه منحرف نمی سازد از سوی دیگر، حفظ آزادی مطبوعات، لغو قراردادها امپریالیستی نیست که وزیر ارشاد ملی بتواند نظریه های امور خارجه، یا وزیران نیرو و دارایی و بازرگانی و خود آقای نخست وزیر، توجیه اندیشه رنگ کن برای آن بچاید. حفظ آزادی مطبوعات، وظیفه ای است بر عهده وزارت ارشاد ملی، که اندک انحرافی ازین وظیفه نشان دهد، اثر آن آشکارا، روی جامعه ظاهر می شود. و آشکارا، در سرنوشت خود دولت مؤثر است. و حاصل هر نوع بندی که بر قلم و اندیشه روزنامه نویسان گذاشته شود، ریشه بستن یک دیکتاتوری است، امانت ماهیت ترکیب دولت کنونی، بلکه با ترکیب و هیأتی که باد چکمه اش نخست دولت حاضر یا دولتهای مشابه آنرا می گیرد. وقتی که از داخل کنفرانس وزارت ارشاد ملی سروکله مردی ظاهر می شود، که شهرت داشت بدنام نمایندگان خاص دربار، از روزنامه کیهان حقوق گزار ماهنامه می گرفت. همین وضع را درست سازید داشت، تصور می کنید قانونی که از کنفرانس بیرون می آید قانونی خواهد بود چنانکه به هدفهای مهندس بازرگان خدمت کند...؟

فائزنی اجتماعی

بقیه از صفحه ۱  
اندیشی دارد، و با چنان شیان و روزانی متفاوت، به مردم سالوس می فروشد، گناه است، و اگر اندک غباری از درویشی که به خود می بیند- بر چامه داشته باشد، بایست خویش را بابت آنچه می گوید و می کند، نبخشاید. در حال کاروان جاری است، و کسانی خود را در تاریکی از ترن آریخته اند که اگر کلاه می کشند، تاروی چشم پایین کشیده اند، از روی سرشان به تصادف یا با باد مخالف ریخته شده، و چهره شان آشکار گردد، حامیان، صاحب دولت، هم به اندازه همه، دچار حیرت خواهند شد. خنده دار اینست که، دست اندرکاران از محاکمه پرونده سازان، و شکنجه گران، «شو» شبانروزی می سازند، و به نمایش می گذارند، ولی جای هبرت، خود برای سرکوب عقاید و اندیشه های آزاد و اسارت ناپذیر، به جعل پرونده و تجاوز به حیثیت اجتماعی صاحبان آنها می پردازند. لابد برای اینکه انقلاب دیگری در پیش است، و در آن انقلاب هم دادگاهی، و متهم و مجرمی و متجاوزی به ابتدایی ترین حقوق مردم! قدرت، متجاوز هست، ولی مقدم بر قدرت، تجاوز و خود بزرگ بینی، و ناحق شمردن دیگران، خصصتهای مردم جاهل و بی فرهنگ است، وقتی که به قدرت می رسند و مشاورانی از قبیل دوره گردان «ساواک» و خادمان قدرت حاکم گردانرا می گیرند. از هر قماش، اهم از «جبری» عینک ته استکانی، یا آن حریف بنگ و باده شبانه، و آن در یوزه گران خبرچین سابق و لاحق.

دستگیری شهرام ادامه توطئه علیه نیروهای انقلابی است سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در مورد بخش خبر دستگیری تقی شهرام از صدای جمهوری اسلامی بیانیه ای منتشر کرد. در قسمتی از بیانیه آمده است: از آنجایی که دستگیری تقی شهرام توسط ماموران کمیته هم اکنون بر مبنای یک خط مشی مشخص ضد انقلابی و تلاشهایی صورت می گیرد که شوی تلویزیونی تهرانی جلاد بهترین نمایشگر آن بود و از آنجا که این خط مشی تبلیغاتی و توطئه کثیف هم اکنون با بهانه انحرافات و اشتباهات رهبری بخش منشعب سازمان مجاهدین خلق صورت می گیرد

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای علی اصغر انیسی مالک شش دانگ یک قطعه زمین بمساحت ۱۵۵۸۰ متر مربع پلاک ۱۷۶۹ فرعی از ۶۷۱۸ اصلی بخش ۲ تهران مغرور و مجزی شده از پلاک هفت که سند مالکیت آن ذیل شماره ۱۰۰۴۱۹ دفتر ۷۷۱ املاک صفحه ۱۱۲ و ۱۱۳ بشماره چاپی ۱۵۴۸۱۵ و ۱۵۴۸۱۲ - نمونه ۴۸۹ بنام آقایان علی فتوحی اردکانی و محمد توکل اردکانی هر یک نسبت به سهم دانگ متاع صادر و تسلیم گردیده و سپس برابر سند رسمی شماره ۵۱۷۶۰ - ۳۱/۳۱۳۱۵۴۳ دفترخانه ۱۸ تهران بشماره ۱ انتقال قطعی یافته مشارالیه با مستاد ۲ برگ استنباط محلی که امضاء شهود آن بگواهی دفترخانه ۲۶ تهران رسیده است سند مالکیت مذکور بعلت اسباب گمشده مفقود گردیده درخواست العثنی نموده است لذا مراتب با مستاد تبصره یک اصلاحی مورخ ۱۳۵۳/۱۱/۲۰ الحاقی شماره ۱۲۰ آگین نامه قانون ثبت در دونوبت بفاصله هردو روز یکبار آگهی میشود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت بملک مرقوم یا وجود سند مالکیت نزد خود می باشد مراتب را از تاریخ نشر دومین (آخرین) نوبت آگهی ظرف ده روز باین ناحیه اعلام و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله باین ناحیه تسلیم و رسید اخذ نماید والا پس از انقضاء مهل و فرسیدن واخواهی مبادرت بصدور سند مالکیت العثنی خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول ۵۸/۴/۶ تاریخ انتشار نوبت دوم ۵۸/۴/۱۶ سرپرست نواحی شمال غرب تهران ۲ الف ۵۴۷۸



# حضور نظامی امریکادر منطقه خلیج فارس

## خبرهای فشرده

● در حالیکه ایالات متحد تلاش میکند تا سوموزا، رئیس جمهور نیکاراگوئه را وادار به استعفاء نماید، جنگ شدت در شهرهای مهم نیکاراگوئه ادامه دارد. رادیوی ساندهنو، متعلق به چریکهای ساندهنستیا، اعلام نموده که یک شورای ۳۰ نفری برای بازسازی کشور، که متشکل از کلیه گروههای سیاسی مخالف سوموزا میباشد، تشکیل گردیده است. این رادیو همچنین تأیید نموده که کلیه اتحادیههای بزرگ کارگری کشور نیز در شورا عضویت دارند. در همین بین، رادیو صدای آمریکا اعلام داشت که سفیر آمریکا در پاناما با چریکهای ساندهنستا تماس برقرار نمود، این رادیو جزئیات این تماس را افشاء نکرد.

● پس از اعلام نتایج کنفرانس اوپک، نفت سه کشور ایران، قطر و کویت بطور متوسط ۱۸ درصد افزایش یافته است. بر اساس قیمت جدید، نفت ایران هر بشکه ۲۲ دلار، کویت ۱۹/۴۹ دلار و قطر ۲۱/۴۲ دلار، بفروش میرسد. ایران همچنین اعلام کرده که قیمت نفت خام سبک این کشور بین ۲۱ و ۲۲ دلار نوسان خواهد داشت. قیمت نفت کویت نیز فقط برای مدت دو ماه تثبیت شده است.

● دومین نشست کنگره پنجم مجلس ملی چین این هفته پایان یافت. در پایان این اجلاس رئیس جلسه اعلام نمود که قوانین جدید: جزائی تجاری، انتخایات آزاد و همچنین قوانین شرکتهای مختلط چینی و خارجی که چگونگی مشارکت در سرمایه گذاریهای خارجی مشخص مینماید، با موفقیت به تصویب رسیده است. یه میانگین، رئیس کنگره ملی چین در نطق اختتامیه اش خطاب به سه هزار نماینده حاضر در جلسه گفت «این کنگره با موفقیت به موضوعات مورد بحث رسیدگی نموده و تصمیمات مربوط به تجدید نظر در برنامه عمرانی کشور را برای سه سال آینده اقتصاد چین با اطلاع همگان رسانیده است. این تصمیمات مقدمه بی استی برای مدرنیزه کردن صنایع چین در آینده».

● یکی از نمایندگان کنگره ملی چین، بنام سانگ ککینگ که استاد لیائونینگ میباشد، اعلام داشت که قانون جدید مربوط به جرائم دست مقامات رسمی را برای هر نوع اعمال مخالف با دولت بازگذاشته است. او گفت این قانون میتواند به صورت مختلف مورد تفسیر قرار گیرد و افراد را به بهانه های مختلف متهم و بزنداند افکند. بر اساس قوانین جدید کسانی که اعتراضات خود را از طریق پوستره های دیواری نمایان سازند متهم به خرابکاری و مرتجع شناخته شده و روانه زندان میشوند. آنچه محافل جهانی را به تعجب واداشت اعلام گفته های استاد دانشگاه مزبور در رادیوی پکن بود. سازمانهای دفاع از زندانیان سیاسی در غرب عقیده دارند که در چین با احتمالی چند صد هزار زندانی سیاسی وجود دارد.

● با ایجاد یک سری مقررات حمایتی برای صنایع نساجی کشورهای بازار مشترک، این کشورها میزان واردات بافته های نساجی را بمقدار زیادی کاهش دادند. پس از چند ماه مذاکره بین چین و بازار مشترک احتمال می رود واردات سال جاری این بازار از چین در حد ۴۰ هزار تن منسوجات تثبیت گردد. کشورهای هند و هنگ کنگ در رقیب عمده صادرات منسوجات نخی چین در جهان میباشند.

● دولت بلغارستان در نظر دارد در طول برنامه عمرانی پنجم، که هم اکنون مورد مطالعه است، چند پروژه مشترک با کمک سرمایه گذاری انگلیس و دیگر کشورهای غربی به اجراء در آورد. از جمله این پروژه ها خرید ماشین آلات مربوط به صنایع ذغال سنگ، ذوب مس، تولید انرژی، موتورهای دیزل، تولید مواد غذایی، پتروشیمی، داروسازی میباشد که بلغارستان قصد دارد در کشورهای غربی تهیه نماید. بگفته سفیر بلغارستان در لندن، در طول برنامه عمرانی پنجم این کشور حدود ۲۰ میلیارد دلار ماشین آلات سنگین از انگلستان و دیگر کشورهای غربی خریداری خواهد کرد.

### آگهی حصر وراثت

محمد ابراهیم حاجی علیرضائی بشناسنامه ۲۸۹۴ بشرح دادخواست کلاسه ۱/م-۸۵۰۸۵ دین حوزه توضیح داده شادروان حسین حاجی علیرضائی بشناسنامه ۳ در تاریخ ۱۰/۴/۵۷ در تهران فوت کرده ورثه او عبارتند از ۱- بانو صفری خشنودی بشناسنامه ۱۹۸۲۳ همسر متوفی ۲- آقای عباس حاجی علیرضائی بشناسنامه ۱، ۳- آقای محمد ابراهیم حاجی علیرضائی بشناسنامه ۲۸۹۴. ۴- آقای مصطفی حاجی علیرضائی بشناسنامه ۶۸۰. ۵- آقای مرتضی حاجی علیرضائی بشناسنامه ۲۰۱۷. ۶- آقای محسن حاجی علیرضائی بشناسنامه ۲۸۶۵۲ پسران متوفی. ۷- بانو محبوبه حاجی علیرضائی بشناسنامه ۱۵۲۴. ۸- بانو منصوره حاجی علیرضائی بشناسنامه ۱۹۶۹ دختران متوفی - غیر از نامبردگان ورثه دیگری ندارد. لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای از درگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی به حوزه ۹ شورای داوری تقدیم دارد والا گواهی صادر و هر وصیتنامه جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است. رئیس حوزه ۹ شورای داوری شهرستان تهران حسن دیزچی مرالف ۱۲۹۴

بنادکی. لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای از درگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی به حوزه ۶ شورای داوری تهران تقدیم دارد والا گواهی صادر و هر وصیتنامه جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

حوزه ۶ شورای داوری شهرستان تهران محمد احتشام مرالف ۱۲۸۷

فرماندهی نظامی مجنر ایالات متحد در خلیج فارس در آینده تاسیس خواهد شد. در جلسات محرمانه روزهای ۲۱ و ۲۲ ژوئن چگونگی اجرای طرح یک نیروی ضربتی ۱۱۰ هزار نفری آمریکا برای جلوگیری از حوادث ضد امریکائی در جهان سوم نیز مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. در حال حاضر دو ناوشکن و یک ناوگان بنام لاسال، که در حوزه بندر بحرین در گشت میباشد، حضور نظامی ایالات متحده را در منطقه آشکارا اعلام میدارد.

فرماندهی نظامی مجنر ایالات متحد در خلیج فارس در آینده تاسیس خواهد شد. در جلسات محرمانه روزهای ۲۱ و ۲۲ ژوئن چگونگی اجرای طرح یک نیروی ضربتی ۱۱۰ هزار نفری آمریکا برای جلوگیری از حوادث ضد امریکائی در جهان سوم نیز مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. در حال حاضر دو ناوشکن و یک ناوگان بنام لاسال، که در حوزه بندر بحرین در گشت میباشد، حضور نظامی ایالات متحده را در منطقه آشکارا اعلام میدارد.

رسیدند و موافقتنامه را فدا- کاری از طرف همه ارزیابی می کردند. ولی آلمانها بطور نیمه خصوصی مطرح کردند که از قبول حد معینی برای وارد کردن نفت راضی نیستند.

آنها امیدوار بودند اگر واردات نفت انگلیس در اثر تولیدات نفت شمال کاهش یابد، بازار مشترک خواهد توانست به واردات نفت خود بیفزاید.

مقامات آمریکا از هماهنگی بین ۴ کشور اروپائی انگلیس، فرانسه، آلمان غربی و ایتالیا متعجب بودند. هبستگی این کشورها سر و کله زدن آنانرا با کانادا، ژاپن و آمریکا مشکل تر کرد ولی خود این امر نیز انعکاسی بود که مسائل اقتصادی راه حل های جهانی میطلبد.

خانم تاجر خاطر نشان ساخت موفقیت آنان در مقابله با ساختن ورشده پس از جنگ در سومین ربع قرن بیستم، آنان را مجبور به تحمل کمبود های بیشتر در چهارمین ربع قرن نموده است. به گفته مقامات آمریکائی موافقتنامه توکیو بدین معنی نیست که بشکها همین فردا بخواهند شد ولی ریسک اینکه در سال های آتی همه کشورهای هم عهد، ذخایرشان خشک بشود کاهش می یابد.

نماینده خصوصی آمریکا در راه فلسطین

پارس - روزنامه لوموند خبر داد مفهر مخصوص ایالات متحده برای بحث در مورد فلسطین آقای رابرت استراوس طی سفری از ۳ ژوئن تا ۸ ژوئیه در خاور میانه خواهد بود. او به قاهره، اورشلیم و اسکندریه خواهد رفت و در این نقاط در مذاکرات سه جانبه آمریکا، اسرائیل و مصر شرکت خواهد نمود و در هفتم ژوئیه به اردن خواهد رفت

آگهی حصر وراثت

سایروس وانس، وزیر خارجه آمریکا، هرگونه مخالفت نظامی امریکا در کشورهای اوپک را نامساعد دانست، لیکن وانس در سخنان روز ۲۲ ژوئن گفت که او با شلزینگر، وزیر انرژی، هارولد براون، وزیر دفاع، وزیر نیو برنسنسکی، رئیس سیا، در مورد تقویت کام به کام نیروهای هوائی و دریائی ایالات متحده در خاور میانه و بویژه خلیج فارس اتفاق نظر دارد. هم چنین طرحی در پنتاگون، وزارت دفاع آمریکا، زیر نظر هارولد براون در دست اقدام است که بر اساس آن یک

اما تولید کنندگان نفت نه تنها از این امر ناراضی نخواهند بود بلکه خوشحال هم خواهند شد چه آنها نیز معتقدند برای حفظ بازار فروششان در اثر بحران اقتصادی جهان، نفت باید بتدریج مصرف شود.

شلزینگر گفت هدف اصلی از موافقتنامه توکیو اینست که از طریق پابین نگاه داشتن رشد تقاضا در سالهای آینده «از ارقام اوپک برای افزایش قیمتها جلوگیری بعمل آید».

ذخایر بزرگتر انرژی پیش شرط اصلی رشد اقتصادی، از بین رفتن نسبی بیکاری، حفظ و یارشد سطح زندگی و مبادلات بین المللی کالا و پول نسبتا متوازن بوده است که از جنگ جهانی دوم تاکنون باعث افزایش ثروت شده است. به این اصل مارگرت تاجر نخست وزیر بریتانیا تصریح کرد که مساله انرژی مهمترین عامل حفظ ثبات سیاسی بشمار میرود.

قبل از این جلسه تقریبا تمام کشورهای دیگر شرکت کنند در اجلاس توکیو فکرمی کردند آمریکا نسبت به این واقعیت که مساله نفت مساله ای دائمی است بی اعتناست و امریکا را متهمی کردند که فقط به بالا بردن سطح زندگی در کشور خود توجه دارد.

کارتی و همراهانش کوشش کردند بقیه را متقاعد کنند که این چنین نیست و او آماده است که آمریکا رابوسی برنامه ای برای کاستن از مصرف نفت و توسعه سایر منابع انرژی ببرد. هنوز برای اروپائیا درک این مساله دشوار است که چرا مردم آمریکا نسبت به واقعیت کمبود نفت شک دارند ولی قول آمریکا را برای محدود کردن تقاضا قبول کردند و خودشان نیز قول چنین محدودیتی را دادند.

بجز هلموت اشمیت صدراعظم آلمان، بقیه خوشحال بنظر می

خانم منظر آذر فرزند قدرت بشناسنامه ۱۵۸ صادره امیرآباد بشرح دادخواست کلاسه ۱۴-۳۶/۵۸ رح این حوزه توضیح داده شادروان ابوالقاسم دهقان بنادکی قرزند حسین بشناسنامه ۱۹۱۹ بنادک در تاریخ ۱۳/۴/۵۶ در تهران محل اقامت دائمی خود فوت نموده وارث چنین الفوت عبارت از متقاضی عیال دائمی متوفی و بانو سکینه شناسنامه ۳۳۶ بنادک مادر متوفی و علیرضا شناسنامه ۱۳۲۰ تجریش و غلامرضا شناسنامه ۶۱ تجریش پسران متوفی و خانم الهام شناسنامه ۲۵۷۶ شمیران دختر متوفی شهرت همگی دهقان

افزایش نیروهای امریکا در خلیج فارس بطور اصولی به تصویب اعضای شرکت کننده رسیده است. بر اساس پیشنهادات این جلسه قرار شد نیروهای دریائی و هوائی آمریکا مانورهای منظمی در کشورهای عربی خاور میانه بعمل آورند، بملاده، فروش سلاحهای نظامی بکشورهای عربی خاور میانه و تماسهای نزدیک نظامی با ارتش های منطقه نیز مورد تأکید این جلسه محرمانه قرار گرفت. بویژه در مورد عمان و شیخ نشینهای کوچک خلیج فارس. در جلسه روز ۲۱ ژوئن،

دائمی است علیرغم تأثیری که افزایش قیمت بر تقاضا دارد و دیگر اینکه مساله انرژی کلید حل تمام مسائل دیگر اقتصاد است از جمله تورم، توسعه اقتصادی، بیکاری، ارزش پول و تجارت. آخرین مطلب که در توکیو عنوان شد این بود که «کمبود انرژی و قیمت بالای نفت باعث انتقال واقعی درآمد شده دست».

سران هفت کشور یکی پس از دیگری اعلام کردند که عادت های اجتماعی باید در کشور سرمایه و تحمل درد انتقال به اقتصادان اجتناب ناپذیر است زیرا که اگر این دو کار انجام نگیرد تورم بیشتر، بیکاری بیشتر، سطح زندگی پایین تر و احتمالا بحران شدید اقتصادی در پیش است.

وزیر انرژی آمریکا، شلزینگر و سایر مقامات هیچیک تضمین نکردند که این موافقتنامه که تقاضای جهانی برای نفت را محدود میکند برای همه کشورهای ناخیریه کافی تامین خواهد کرد. ولی درک مشترک این بود که هر چه مورج کنونی برای بدست آوردن نفت باعث افزایش هر چه بیشتر قیمت نفت شده و همه را خیلی بیشتر متضرر میسازد.

هم در بیانیه اجلاس و هم از طرف سران چند کشور بخصوص از طرف پرزیدنت کارتر در مورد افزایش غیرمنتظره قیمت نفت توسط کشورهای اوپک که هفته گذشته تصویب شد ابراز تأسف کردید. ولی سران توافق کردند که در کوتاه مدت تنها عکس العمل صحیح در مقابل این تصمیم اوپک اینست که تقاضا برای نفت تا حد منطقی از طرف خریداران محدود شود و در درازمدت بر منابع جدید انرژی تکیه شود که وابستگی به نفت کاهش یابد.

حتی با وجود افزایش قیمت یعنی با وجودیکه در حال حاضر هر بشکه نفت ۱۸ تا ۲۰ دلار است، رقابت برای خرید آن بیش از زمانیهست که قیمت هر بشکه آن ۲ دلار بود.

اگرچه هیچکس با صراحت بیان نکرد ولی موافقتنامه توکیو که اختصار قطع رقابت بین خریداران میکند و همچنین از دولت های شرکت کننده می خواهد که تقاضا برای نفت کشور های اوپک تا سال ۱۹۸۵ افزایش نیابد، بمعنی تشکیل کارتل دولتی خریداران نفت است.

فائشنگال تایمز - مقامات رسمی کاخ سفید واشنگتن میگویند چنانچه پیشنهاد تقویت نیروهای هوائی و دریائی ایالات متحده در خلیج فارس، برای حفاظت و تضمین جریان نفت به غرب به تصویب رئیس جمهور برسد، بزودی چند ناوشکن و اسکادران هواپیما های جنگنده امریکا وارد خلیج فارس و اقیانوس هند خواهند شد. پیشنهاد مزبور، بگفته این مقامات در جلسه محرمانه روزهای ۲۱ و ۲۲ ژوئن بگفته تجدید نظر در سیاست خارجی ایالات متحده بعمل آید. در این جلسه محرمانه

از: هارالد تریبون:

## تولید یک کار تل عظیم از دولت صنعتی

این گزارش که برداشتهای کلی غربی، و امریکائی از اجلاس توکیو دارد، در عین حال برای خواننده صاحب نظر ایرانی، در زمینه مسایل جاری اقتصاد بین المللی، بسیار آموزنده است: یکبار دیگر کشور های بزرگ صنعتی برای مقابله با بحران با یکدیگر ملاقات کردند و در مورد استراتژی مشترک به توافق رسیدند.

در جلسه سران در توکیو بحث پیشتر بر سر کمبود نفت و قیمت بالای آن دور میزد تا تورم، بیکاری و رشد کم، بخاطر اینکه بنظر می رسید که این مساله نفت بود که بزرگترین تهدید به نظر نظر کنونی غرب به شمار می رفت. همه قبول کردند که تنها راه مقابله با بحران همکاری بین خودشان است.

طی بحث مشکل نفت که همه از آن بعنوان بحران جهانی نام میبردند. هر کشور از منافع خود دفاع کرد. ولی علیرغم گزارش هائی مبنی بر اینکه عده ای بروز شدند و عده ای دیگر گشت کردند، باید گفت برای این کشورهای تجارت کننده اصل همکاری اجتناب ناپذیر بنظر می رسید.

سران هفت کشور یکی پس از دیگری از این جلسه بعنوان «تاریخی ترین» اجلاس اقتصادی خود نام بردند. و این تنها یک شعار نبود بلکه نه تنها انعکاس حس خطر درباره جدائیها در بین خودشان بود که درک روز-آز روز این واقعیت ها بود که هیچک از آنان بتنهائی قادر نیستند ثروت مند شوند.

جلسات اقتصادی سران در سال ۱۹۷۵ در ناحیه ای نزدیک لاریس آغاز شد که در آن زمان هدف آن کوشش فوق العاده برای حل بحران اقتصادی بود که «اولین بحران نفت» نام گرفت آنها به برگزاری این جلسات ادامه داده اند چرا که ارسال این امر هر چه روشتر شده است که کوشش هیچ کشور به تنهائی قادر نیست به خواستهای اقتصاد نو کنونی جواب بدهد.

موضوع بحث اینبار نیز انرژی و رقابت برای نفت بود و علیرغم پشیمانی دقیق و گاهی شدید درباره چگونگی مقابله با مساله، بر سر دو موضوع توافق بود: یکی اینکه کمبود نفت



# سیاست خارجی ایران به کجای رود؟

## ادامه این سیاست شرم آور بحال انقلاب خلقهای ایران زیان بخش است

● موضع مقامات رسمی برخلاف اهداف و خواستهای مردم مبارز مهیمن است

● چرا موضع دولت به اصلاح انقلابی پس از قیام در رابطه با سیاستهای اعمالی در منطقه با موضع گذشته تغییر چندانی نکرده است

اخیرا سفیر عمان در تهران، این نماینده سلطان قابوس خائن، هرولک و عامل سرسپرده امپریالیسم پس از ملاقات هیئت عمانی با نخست وزیر و وزیر امور خارجه «دولت موقت انقلاب اسلامی» بیشتر مانده اعلام کرده است که (دولت) ایران به (دولت) عمان اطمینان داده است که از انقلابیون عمان جانبداری نخواهد کرد (اطلاعات ۷ تیرماه ۱۳۵۸) و این در حالی است که سفر هیئتی از انقلابیون عمانی در اواسط اردیبهشت ماه، که با تحویل دادن یک خلبان ایرانی اسیر در دست آنها به مقامات مسئول همراه بوده، با سردی روبرو شده و در هیچ مرجع رسمی انعکاس نیافته است. با سرنگونی رژیم منقور شاه جلاد، خلق ستمدیده عمان که سالهای طولانی زیر بار ستم استعماری قرار گرفته است، میتواند و باید این امید را داشته که مردم مبارز ایران مسئولان به جبران جنایتهای رژیم سنگین پیشین بپردازد و دین سنگینی را که به خلق قهرمان عمان داده ادا کنند. چرا که مزدوران ایرانی امپریالیسم یعنی «ارتش شاهنشاهی» ضربات هولناکی بر انقلاب خلق ستمدیده عمان وارد ساخت.

تا پیش از ورود ارتش مزدور شاهنشاهی به عمان و حمایت نظامی از سلطان قابوس این نوکر شاه خائن و امپریالیسم انگلیس و آمریکا، اکثریت سرزمین ظفار در دست دلاوران «جبهه خلق برای آزادی عمان» بود و برای ایجاد جامعه ای مستقل و آزاد سازی میشد. اما نوکران ایرانی امپریالیسم سرزمین کوچک عمان را به خاک و خون کشیدند و برای دهقانان زحمتکش عمان، مرگ و نیستی به ارمغان بردند، کشتزارها و روستاهای زحمتکش بی پناه عمانی، زنان و کودکان آنها را با بمبهای ناپالم به آتش کشیدند و حتی دامها و چارپایان آنان نیز از بمباران ارتش شاه در امان نماند. جنایات ارتش شاه همیشه از سوی نیروهای انقلابی افشا و محکوم شده است.

انقلابیون ایران با مشارکت عملی خود در جنگهای آزادیبخش عمان برادری خلقهای ایران و عمان را ثابت کردند و در آنجا شهید قیز داده اند. مبارزه رهایی بخش خلقهای ایران با مبارزات آزادیخواهان دیگر خلقهای منطقه، منجمله خلقهای فلسطین و عمان دارای پیوندی ناگسستی است.

سالهاست که همگی با دشمنان واحدی که امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع محلی است در حال مبارزه ای سرنوشت ساز هستیم. خلقهای ما در ایران، فلسطین و عمان از دست دشمنان مشترک خود ضربات جانکاهی را تحمل کرده اند و ضربات مهلک و تعیین کننده ای را نیز به آنان وارد آورده اند. برای توده های مبارز و قهرمان خلقهای ما و نیروهای انقلابی که از ابتدای امر دخالت تجاوزگران ارتش شاه را در عمان محکوم کرده اند و با انقلاب و انقلابیون آن سرزمین ها پیوندی ارگانیک برای خود قائل بوده اند و اقبال در آور است که حتی پس از سقوط رژیم سنگین شاه و پس از روی کار آمدن دولت موقت به اصلاح انقلابی همچنان نسبت به مبارزه عادلانه خلق قهرمان عمان با سکوت رضایت آمیز مرتجعین، نه تنها بی اعتنائی میشود بلکه عملیات ضد انقلابی و ضد خلقی رژیم گذشته با چنین موضع گیری پنهانی مورد تائید نیز قرار میگیرد. موضع گیریهای اخیر و پذیرفتن هیئت عمانی و اعلام عدم حمایت از جنبش رهایی بخش خلق عمان در حالی صورت میگیرد که

وزارت امور خارجه و «دولت موقت انقلاب اسلامی» به خاطر تشکیل جلسهای از نمایندگان احزاب و سازمانهای سیاسی برای بحث و تبادل نظر در سیاست خارجی (ولایت اتحادیه روش ضد امپریالیستی!) عوامفریبانه و در حقیقت به قصد وجه المصالحه قرار دادن نیروهای سیاسی تبلیغ میکنند ولی از سوی دیگر از انتشار اسناد مداخله نظامی و انشای جنایات ارتش مزدور شاهنشاهی در عمان و انتشار افشا و لغو قراردادهای نظامی ایران و آمریکا و سایر قراردادهای اسارت آور محرمانه نظامی - اقتصادی و سیاسی رژیم پیشین خودداری می ورزد.

با توجه به اینکه انقلابیون عمان همواره صمیمانه ترین روابط انقلابی را همواره با خلقهای مبارز ایران و نیروهای انقلابی کشورمان داشته اند، اکنون که توده های قهرمان ایران با مبارزات دلیرانه خود توانسته اند قابوس حکومت سنگین شاه را نه تنها از ایران بلکه از تمامی منطقه محو کنند، موضع مقامات رسمی کشور ما برخلاف اهداف و خواستهای مردم مبارز مهیمن است، و این سؤال باقی میماند که چرا موضع دولت به اصطلاح انقلابی پس از قیام در رابطه با سیاستهای اعمالی در منطقه با مواضع گذشته تغییر چندانی نکرده است؟

ادامه این سیاست شرم آور مسلماً بحال انقلاب خلقهای ایران زیان بخش است.

اما خلقهای قهرمان ایران مبارزات دلاورانه خلق عمان و مسئولیتی را که در قبال آنان دارد هیچگاه فراموش نخواهد کرد.

انقلابیون و همه نیروهای مترقی به مبارزات دلاورانه خلق عمان ارج میگذارند و آنرا بخشی با اهمیت از جنبش رهایی بخش خلقهای تحت ستم منطقه و جهان می شمارند آزادی خلق عمان بدون تردید کمک شایانی به رهایی خلقهای زیر ستم منطقه و جهان خواهد بود.

شمار «بهادار شاه نوبت آمریکاست» در حقیقت خواست عمیق توده های مبارز زمان بر علیه هر نوع سلطه نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی امپریالیستها و در راس آن امپریالیسم آمریکا بود، ولی عملکرد سیاست خارجی دولت موقت تاکنون چه بوده است؟ نتیجه منطقی خواست توده های مبارز وطن ما قاعدتاً این میتواند باشد که از همه جنبشهای ضد ارتجاعی و ضد امپریالیستی خلقهای زیر ستم منطقه و جهان دفاع و حمایت شود ولی نتیجه ملموس این عملکرد سیاسی به حضور بعضی نمایندگان نیروهای ارتجاعی منطقه مانند مدافعان مرتجعین افغانی و قیاده مسوقت کردستان عراق بوده است که در عملیات ضد خلقی و ضد انقلابی داخل ایران و در کشتار دهقانان مبارز وطن ما شرکت دارند و از عمان، نه نمایندگان نیروهای انقلابی آن کشور، بلکه نمایندگان سلطان قابوس خائن این سگ زنجیری امپریالیسم حضور دارند.

اکنون باید دید حضور آقایان نمایندگان احزاب و سازمانهای سیاسی در جلسه بحث و تبادل نظر وزارت امور خارجه به چه منظور بوده است؟ جز آنکه این نیروها در دام وجه المصالحه بخاطر کسب قدرت پاره ای از جناحهای حاکم قرار گرفته باشند؟

آنچه که مربوط به سیاست خارجی دولت موقت است، تا روشن شدن موقعیت دقیق سیاست دولت در رابطه با قرار دادهای نظامی - اقتصادی - سیاسی و فرهنگی با کشورهای امپریالیستی به ویژه امپریالیسم آمریکا و در رابطه با جنبشهای رهایی بخش خلقهای زیر ستم منطقه جهان، بحث و تبادل نظر درباره سیاست خارجی تازه مفهومی نداشته و نخواهد داشت.

جمعیت اتحاد برای آزادی و استقلال

# مقالات

درین صفحه مقالات و نامههایی از خوانندگان و دوستان پیغام امروز منتشر می شود که در همین دایره افق مشترک با روزنامه - دفاع از آزادی و استقلال عقیده سیاسی - چه بسا برداشتهای آنها از مسائل مشی ما یکی نباشد و ما به حرمت آزادی عقیده، این نظرها را منتشر می کنیم.

## نابودی کامل امپریالیسم به دست مهندس بازرگان

آیندگان ۱۲/۴/۵۸ در صفحه اول خود خبر می دهند «نخست وزیر ایران دشواریهای کنونی کشور را ناشی از اختلافهای داخلی و نه فعالیت های خارجی دانست». بدان معنی است که چون امپریالیسم بکلی بر خطر شد به واقیبات انقلاب ایران تسلیم گشته است، پس ملت نه به «فعالیت های خارجی» بلکه به «اختلاف های داخلی» بین و خاطرش را از جانب آمریکا آسوده سازد. این «دعوی» نخست وزیر ایران در شرایطی به عمل می آید که «اخبار آمریکا و گزارشهای جهان» اطلاع می دهد که «از عده ای از طراحان استراتژیک آمریکا، در صورت آش ایران لازم است حمله نظامی برق آسائی برای حفظ میدان نفتی جنوب این کشور صورت گیرد» (آیندگان ۲۷/۳/۵۸) و المستقبل می نویسد که آمریکا برای پیشبرد مقاصد «سعی کرده که پلهایی از حسن تفاهم یا بعضی از شخصتهای که آیت الله خمینی را احاطه کرده اند برقرار نماید» (اطلاعات ۱۱/۴/۵۸).

و اما مسیبان «اختلافات داخلی»، از نظر مهندس بازرگان، چه کسانی هستند؟ ۱- «کارگران کاردار، آنها که روزی ۱۲۰ تومان حقوق میگیرند ۲- چریکهای فدایی که از سنجند و گنبد تا خرمشهر و بلوچستان» تجاوز میکنند و «اختلاف داخلی ایجاد میکنند» و حتی «سردسته جاسوسی شان را فرستادند برای اینکه بین آیت الله های ما را بهم بزنند».

این تحلیل سیاسی اوضاع ایران نه از دهان یک طلب خردسال بلکه از مغز یک نخست وزیر کهن سال الهام گرفته است. ع. ا. محجوبیان ۱۲/۴/۵۸

## آه زنده های راستین

باید پناخیزید  
هر کار ...  
هر کار ...  
تنگ است دراز کشیدن  
تنگ است بخود فرورفتن  
انسان راستین  
سر بر آسان بلندکن  
و ستاره را که رها گشته است  
میان آره و نه  
پر سه ز نیم  
مهمین - خدیوی

بعنوان نماینده طبقه حاکم تعیین میکند و این زمانی است که منافق طبقاتیش بطور جدی به معرض خطب افتاده باشد. ولی جان مطلب اینجاست که دولت برای سرکوب خواستهای دموکراتیک مردم هم اکنون در این راه کام نهداده است. به تیپیک پیرانشهر دستور سرکوب مردم در نقده داده میشود و یا در طی وقایع خرمشهر از ستاد کل ارتش به تیپ نیروهای ویژه هوایرد در تهران دستور داده میشود، که برای سرکوب مبارزین عرب خوزستانی به آنجا بروند و یا لشکر ارومیه را بجان مردم کرد نقده می اندازند و اگر این اقدامات قاطعانه و با تمام قوا صورت نمی گیرد، برای اینست که بسیاری از ارتشیان از انجام چنین دستوراتی سرپیچی می کنند، ولی قصد دولت و زعمای قوم همانست که گفتیم استفاده از نیروی ارتش برای سرکوب خواستهای دموکراتیک مردم. بنابراین تا آنکه با یغیاب آنها خواهند آمد، و هلیکوپترها از آسمان مردم را به رگبار خواهند بست، تا باصطلاح دولت تقویت شود و ضد انقلاب «سرکوب گردد».

## ارتش

### درس اشیب سقوط به و رطه ضد انقلاب

میکند. و در پی آن خبر میرسد که «دژبانی ارتش ماموریت یافته است که هرگونه راه پیمائی و میتینگ پرسنل نظامی در داخل و یا خارج پادگان را بشدت سرکوب نماید» (پیغام امروز ۲ تیر ۵۸). و همه اینها گواه بارز این امر میشوند، که بر این ارتش نیز همان اطاعت کورکورانه ای باید حاکم باشد، که در گذشته بود. بی مناسبت نیست که عده ای دریک گردهمایی در ۱۳ خرداد ۵۸ در پایگاه حر (شاهرخ سابق) قلمنامه ای میگردانند، که یکی از مفاد آن «تائید اجرای اوامر فرماندهان بدون چون و چرا» می باشد (سرباز و انقلاب - شماره ۷).

و اما فرماندهان و اما فرماندهانی که اوامرشان باید بدون چون و چرا اجرا شود چه کسانی هستند. در راس آنها تیمسار فرید قرار دارد. تیمساری

اسامی آنها را با اسناد و مدارک جنایت ها و خیانت های شان در تشریح «سرباز و انقلاب» بدست آوردند. و اینها هستند کسانی که اوامرشان باید بدون چون و چرا اجرا شود. ارتش سرکوبگر

البته اینکه ارتش همواره یکی از ارکان اساسی ماشین دولتی طبقات حاکم در سرکوب طبقات محکوم بوده و هست، جای تردیدی نیست و نمونه های تاریخی آن در همین ایران خودمان نیز، صحت این حکم را بارها و بارها تائید کرده است. لاکن در اینجا بحث ما در این باره نیست. در این باره است، که این ارتش تحت لوای اسلام هم اکنون نیز جز این نمیکند. تیمسار رحیمی بشارت میدهد که «اگر واقعا شرایط غیرعادی مملکت احتیاج به دخالت ارتش داشت و دولت ملی تشخیص داد که شهربانی قادر نیست اغتشاش و شورش احتمالی در منطقه ای را ساکت کند، آن موقع بدستور دولت ارتش وارد عمل خواهد شد و امنیت را برقرار خواهد کرد» (پیغام امروز ۲ تیر ۵۸). روشن است که عادی یا غیرعادی بودن شرایط و مسئله «احتیاج به دخالت ارتش» را دولت

بر ارتش اسلامی همان ضوابطی حاکم است که بر ارتش آریامهری در اثبات این نیز دلایل بیشماری در دست است. ارتشیان دوباره به زیر مه میز رکن دوم و «ضد اطلاعات» ارتش کشیده میشوند. و باز بقول تیمسار رحیمی «رکن دوم و ضد اطلاعات دارند کار می کنند» (پیغام امروز همانجا) و راست هم میگویند. همان ضد اطلاعاتی ها، رکن دومی ها و ساواکی های سابق ارتش به همان کار سابق اشتغال دارند، منتصبی تحت عنوان دیگری. همانطور که اسم ارتش شاهنشاهی به ارتش اسلامی بدل شده، بدون اینکه چیز دیگری تغییر کند، همان رکن دوم هم فقط اسم عوض کرده و نام پرطمطراق «سازمان تداوم انقلاب» بر خود نهاده است. ارتشیان از حقوق دموکراتیک، که حق هر فرد اعم از ارتشی و غیر ارتشی است، محروم میشوند. وزیر دفاع در طی سخننامه مورخ ۱۹ اردیبهشت ۵۸ شرکت ارتشیان را در گروه ها و دستجات سیاسی متنوع میسازد، دادستانی ارتش شرکت تمامی افراد نظامی را در مجامع سیاسی و راه پیمائی ها ممنوع اعلام



نقد کتاب

حسن بیابانی آرایشگر

نویسنده: بهزاد عشقی  
انتشارات کاووس - بخش از آماه  
بها ۴۰ ریال

انقلاب بها می خیزد، توده های آرام را به صحنه حادث ترین مبارزات طبقاتی می کشاند، هنرمندان در بند را پای می کشاید، انقلاب های محکوم به حبس را آزاد می سازد. و انقلاب خلق را علیه تنگ نظری آنانی که بسوی قدرت خزیده اند و جنبش آوار خویش را بردست و پای آزادی پیچیده اند هنوز دیده مساعدی را برای خلاقیت های هنرمندان مردمگرا حفظ کرده است. داستان «حسن بیابانی آرایشگر» نوشته بهزاد عشقی که بتازگی انتشار یافته، یکی از این نمونه هاست.

زمینه تاریخی داستان

رژیم سابق، متکی بر بوروکرات های وابسته به امپریالیسم الزاماً دیکتاتور، تاریخی مشحون از سیاهترین داستانها برای ثبت فرام آورده که در صورت رشد طبیعی هنر، دهها صدها اثر هنری بجای ماندنی می توان براساس آنها آفرید. کاری که روانشناسی اجتماعی دوره ای از تاریخ کشور ما، از مبارزات طبقاتی از چگونگی هستی طبقات و از نمونه های پوی و افراد می باشد که در آن لجنزار زیستند، برای زندگی

داستان موشهای کوچک

بیارزه کردند، بپاخواستند، یا خاموش ماندند، خود را برای پنهان کردن دو هزار و پانصد سال شاهنشاهی فروختند شکنجه کردند و شکنجه شدند و برمتن جنگ طبقاتی در جهت حل تضادها نقش خویش را ایفا نمودند.

در میان مجموعه به هم پیوسته واقعیات گذشته، ساواک بنیادهای یکی از ضروری ترین ابزار حاکمیت بورژوازی وابسته در دل خویش هزاران و هزاران مضمون آفرینش بزرگترین شاهکارهای واقعگرایانه در زمینه داستان و سینما، تئاتر و شعر، موسیقی و غیره نهفته دارد.

صاحبان کارخانه های بزرگ وابسته به امپریالیسم، دلالت دربار، واسطه های فروش اسلحه و نفت، زمینخواران بزرگ و... برای حیات خویش نیاز به رهبری چون شاه داشتند که نمود تمام و کمال هستی آنان باشد. و موفقیت شاه در انجام وظیفه اش - حفظ منافع سرمایه داران وابسته - بمعنی ایجاد آن چنان دولت و سازمان سرکوب بود که بتواند مقابل خلق دست به جنایت های ضروری برای بقای سرمایه داری وابسته به امپریالیسم بزند، یعنی تا حد ممکن خلق را دربند نگاهدارد. پس از نقطه نظر توده ها شاه چیزی نبود جز یک جنایت پیشه تا سرحد ممکن، یک چپاولگر تا سرحد ممکن، و یک دیکتاتور خون آشام.

این سرنوشت هر آنکسی است که از خلق جدا شود و به ضد خلق خدمت کند. شاه بالفطره جنایتکار نبود او با تکیه بر طبقه ای که حیاتش جز از راه جنایت: یعنی استثمار کارگران و همه زحمتکشان، غارت ثروت ملی، جلوگیری از مرجعش برای آزادی از قید امپریالیسم مقدور نبود، به یک جنایتکار بدل شد. در این راه او موفقانه نهادهای سرکوب و جنایت را در دل دولت سازمان داد و سازمان امنیت و اطلاعات کشور یکی از پارتیزانین، و موفقیت آمیزترین نهاد های او بود که برای حفظ منافع امپریالیسم عمل کرد.

ساواک یک ضرورت برای طبقه حاکم و یک سازمان کشتار و سرکوب برای خلق بود. ساواک را بیاد آوریم تا روشن تر به ماهیت دوگانه اش از جهت خلق و ضد خلق پی ببریم. ساواک برای ضد خلق یعنی سرمایه داران وابسته چه بود؟ ایجاد کننده شرایط مساعد برای عمل، ساواک به شدیدترین وضعی کارگران را سرکوب می کرد، در تار و پود سازمان کارخانه ها نفوذ داشت، ساواک نه تنها در برابر کارگران که در برابر دیگر اقشار خلق هم اینچنین انجام وظیفه می نمود. در برابر خلق، ساواک یک هیولای جنایت بود، زحمتکشان برای کسب ابتدائی ترین حقوق صنفی شان با سایه خونبار ساواک مواجه بودند، در خیابانها هر نگاه اتفاقی، در دل خود عنصری از شک را می پرورد، گشتی ها، گشت می دادند و سر بزنگاه بر سر یک رهگذر فرو می ریختند و بعد... وقتی در شب، تابش گام زنگ در می صدا می آمد، نگاه های مراس آلود در دل خود پریشانی داشت که مستقیماً با ساواک پیوند می خورد، در مجلسی دوستانه حرفها درز گرفته می شد چرا که دیوار موش داشت و موش گوش و در چنین مرداب مرک و دلخیز ما می زیستیم و خلق روز بروز بسوی یک انفجار محتوم کشیده می شد.

ساواک قدرت خود را براساس هزاران مستخدم رسمی و دهها هزار خیرچین استوار کرده بود و داستان حسن بیابانی آرایشگر روانشناسی نمونه وار یکی از این خیرچینان است. تصویرکننده، شرایطی که آنان می زیستند و به ایفای این نقش ضد خلقی کشیده شدند.

مضمون داستان

داستان حسن بیابانی آرایشگر، داستان آرایشگری است که در رابطه با کار خود، یک زندگی آرام و خنثی را از سر

می گذراند. او در یکی از روزهای اواخر پائیز، با غریبه ای آشنا می شود، این غریبه با چهره مشکوک و هم آشنا، در وهله اول یک مشتری است بعد معلوم می شود که شاگرد سابق او محدرضا است، کسی که در ماههای ۳۲ فعالیت سیاسی داشت معلم بود و از فرهنگ بیرونش کرده بودند و امروز؟ محدرضا به حسن آقا پیشنهاد همکاری با ساواک می دهد. حسن آقا از یک سو دچار تردید و از سوی دیگر دچار وسوسه می شود و بالاخره در ارتباط با یکی از مشتریانش که از عکس شاه در مجله هیولایی ساخته بود، شروع به همکاری با ساواک می کند. پسر حسن آقا پی به همکاری پدرش با ساواک می برد و بالاخره از او جدا می شود، تنها تکیه گاه حسن آقا، یعنی خانواده اش از هم می پاشد و او بدل به یک الکی می شود، کسی که منظر است تا در یکروز شاید خیلی نزدیک و یا شاید خیلی دور در یک روز سرد بارانی و یا شاید در یکروز گرم آفتابی بمیرد.

شخصیت های داستان

حسن آقا، آرایشگری که به خیرچینی کشیده می شود، شخصیت اصلی داستان، یک دکاندار، یک خرده بورژوازی تمام عیار است. زندگی او تمام جنبه های مثبت و منفی این قشر از جامعه را دارد.

او چگونه آدمی است؟

او «آرایشگر قدیمی شهر است که همه او را می شناختند «پیرمردی ساده»، کسی که یک زندگی یکنواخت و یسندت آمیخته به تکرار را از سر می گذراند.» هرروز صبح ساعت شش و نیم و گاهی ندرتا ساعت هفت و نیم وقتی باران می بارید و یا هوا سرد بود دکانش را باز میکرد، حسن آقا سپس دست به یک سلسله اعمال ماشینی و روزمره می زد، و عمر می گذراند.

نویسنده بر این زمینه تضادهای زندگی حسن آقا را تصویر می نماید. حسن آقا در برابر کارگرش یک شاکی است. «کارگر نگو آقا، بگو مدیر کل، زودتر از ساعت نه تشریف نمیان سرکار»

حسن آقا که سه دختر و دو پسر دارد «اگر بیمه فشار بهش نمی آورد و یا اگر دارائی از پیشش نمیگردد، و یا اتاق اصناف جرمه اش نمیگردد، می توانست ماه به ماه قسط بانکش را بدهد و تازه مقداری هم پس انداز کند...»

این حسن آقا است، ما در فصل اول داستان با شخصیت او بدینگونه آشنایی کافی بدست می آوریم.

داستان از «یکی از روزهای اواخر پائیز» شروع می شود. حسن آقا می خواست صبحانه اش را بخورد که مردی «بلندقند، چاق، با موهای فلفل نمکی، شکم برآمده، کلاه شاپو پسر، عینک دودی به چشم، بارانی گرم در تن» وارد می شود. در حین آرایش حسن آقا متوجه پلکهای مشتری خود می شود که مدام می لرزد. کنجکاوای آزار دهنده ای او را در خود می پیچد.

حسن آقا طاقت نمی آورد و می پرسد که او را در جایی ندیده است؟ و مشتری با پاسخ مشکوک خود در ذهن آرایشگر بیشتر چون و چرا ایجاد می کند.

او موقع رفتن، حسن آقا را از دکان بیرون می کشد و بی مقدمه با دادن یک شماره تلفن به او خود را معرفی می کند «من کارمند سازمان امنیتم، تترس مردم اگه بدونن سازمان چه جای مقدسیه مٹ امامزاده پرستشش می کنن»

غریبه حاضر به معرفی خود نشده، اما تمام شواهد محدرضا بودن او را تایید می کند. او بی شک همان محدرضایی است که بزندان افاده و پس از آن حسن آقا از او بی خبر مانده است.

غریبه خود را امید معرفی می کند و حسن آقا بیاد می آورد که محدرضا می گفت: «اسم پسرمو میدارم امید. انقلاب ما حتما پیروز میشه»

ما با توجه به شرایط زندگی حسن آقا و شخصیت او، آشکارا با زمینه های مساعدی که این «پیرمرد ساده» را بدل به خیرچین می کند بطور عینی آشنا می شویم و برخلاف پیشنهاد بی مقدمه امید (محدرضا)، می بینیم که او طعمه خود را بسیار هوشیارانه انتخاب کرده است.

حسن آقا یک آرایشگر است که همه جور مشتری، «پس و جوان کاسب و کارمند» به دکانش مراجعه می کنند. امید می داند که حسن آقا یک فرد خنثی و حساسی است و ما با این روحیه حسن آقا در تک تک رابطه های پی پی می بینیم. او برای پاسخ هر سوال ابتدا مصلحت و نفع خود را در نظر می گیرد. او خود می داند که: «هیچوقت چیزی نبوده. اصلایی طرف بوده، همیشه راه خودش را میرفته. اصلاً چکار داشته با سیاست. اما نویسنده، حسن آقا را در برابر پیشنهاد امید اینگونه تصویر می کند: «... اما بعد فکر می کند که اینطور بهتر شده. نوعی غرور کارآگاهی به او دست داد: رومن حساب رسید. گفت می داند که می بینم پرستم - نشئه خاصی به جانش ریخته شد. احساس کرد کسی شده است. دیگر برای گرفتن یک پروانه ساده روزها در شهرداری معطل نمی شود، دیگر آنقدر با اداره دارایی درگیری پیدا نمی کند. کافیست تلفنی به امید بزند همه چیز درست شود.» آری حسن آقا همه چیز را در رابطه با نفع خود می سنجد او در برابر این سوال خود که چرا محدرضایی که روزی دم از «قدرت ملت، از پکن رفتن زالوها» می زد اکنون بدل به یک ساواکی شده، خود پاسخ می دهد که:

معرفی کتاب

تحلیل بودجه ۵۷

آخرین بودجه ضد خلقی شاه خائن  
انتشارات سازمان مجاهدین خلق  
۸۴ صفحه - ۲۵ ریال

مساله بودجه و کار بودجه - نویسی و اصولاً مباحث اقتصادی از مسائل تخصصی است که رژیمهای فاسد و ضد خلقی و سیستم های اقتصادی وابسته، این موضوع را دامن زده و با عنوان کردن واژه های فنی و تخصصی، دراز کردن آمار و ارقام، کاری می کنند که اقشار مختلف مردم، کمتر موضوع را بفهمند و از کارشان سردر نیآورند.

کتاب تحلیل بودجه ۵۷ از انتشارات مجاهدین خلق همراه با افشای ماهیت ضد مردمی آخرین بودجه رژیم اسقاط شده، مسائل بودجه و بودجه نویسی را بازبانی تقریباً ساده بیان کرده است، که در حال حاضر همزمان با تهیه و تنظیم بودجه از طرف دولت موقت انقلاب می تواند، در بر دارنده رهنمودهایی در این زمینه باشد و مورد استفاده علاقمندان قرار بگیرد.

آموزش های ویژه جوانان

انتشارات سازمان جوانان مجاهد

چند ماهی پیش، از دوران حکومت نظامی از هاری، مزدور شاه دور نشده ایم، همان روزها که شما دانش آموزان یا رها کردن درس و مشق آریامهری به خیابان آمدید و نه تنها «مقررات بدیهی!!» حکومت نظامی را نقض کردید بل بانثار خون پاک خویش، به همراه دیگر خواهران و برادران خود، مردانه بر اسطوره شکستناپذیر رژیم شاهنشاهی و همه ی نظامیان مرجع ضد خلقی اش مهرباطال زدید - چه ورود صادقه ای... و اکنون آینده از آن شماست، آزاد آزاد، اما با مسئولیتی سنگین، و به همین خاطر، سخت نیازمند آموزش و شناخت...

سازمان جوانان مجاهد، اولین شماره آموزش های ویژه جوانان را باینیامی از برادر مجاهد مسعود ربیوی به همراه ۱۱ رهنمود سازنده برای جوانان انقلابی، منتشر کرده است این نشریه مقدمه ایست برای برداشتن گامهایی بلندتر، بامید آنکه هر چه بیشتر از این سلسله نشریات استفاده کنیم و

اعلام موجودیت

سندیکای هنرمندان

تجسمی

«سندیکای هنرهای تجسمی و کاربردی» هفته گذشته اعلام موجودیت کرد. در اطلاعیه این سندیکا با تکیه بر دموکراتیک بودن این نهاد صنفی چنین آمده است: «از نظر این سندیکا هنرهای تجسمی، خلاقیت فرهنگی - اقتصادی است که تولید در آن برای جهت دادن خواست توده های مردم است و از این جهت هنرهای تجسمی هوند هنرهای کار بردی است، زیرا که هنرهای کاربردی صنایعی است که خلاقیت در آن مصرف روزمره دارد، بنابراین هنرهای تجسمی بخشی از تولید اقتصادی است که از ارکان شکل دهنده فرهنگ توده ها محسوب میشود، و هنرهای کاربردی سهم بزرگی در گسترش این فرهنگ دارد. بنابراین این کلیه افرادی که پدیده های هنری تجسمی و کاربردی تولید میکنند،

بشناسیم و بیاموزیم

رهنمودهایی درباره کار ایدئولوژی

انتشارات سازمان مجاهدین خلق  
۶۴ صفحه - ۲۵ ریال

«کار ایدئولوژی»، بلحاظ نظری و تحقیقی، وجه نسبت کار های ثوریک در زمینه های دیگر از پیچیدگی خاصی برخوردار است که بالطبع این پیچیدگی، کار تحقیق و عناصر محقق را با دشواریهایی روبرو می سازد. مجاهدین خلق با انتشار کتاب رهنمود های کار ایدئولوژی، ضمن توضیحی در مورد جریان ایدئولوژیستی، چه نما و نقاط نظر ایدئولوژیک سازمان رهنمودهایی سخت تعیین کننده و راهگشا، برای همه علاقمندان به کار ایدئولوژی ارائه کرده اند.

تحلیلی بر تغییر و تحولات درونی سازمان مجاهدین خلق

ایران  
۵۴-۵۳

انتشارات پیکار  
۵۸ صفحه - ۳۰ ریال

جزوه حاضر، سند و تحلیل انتقادی است بر آنچه در درون سازمان مجاهدین از سال ۵۲ رویداد، و نیز نظرات سازمان پیکار، بسیاری از سایه روشنها و جریانات گذشته، که عناصر فرصت طلب و مرتجع بابره روزی از آنها محملی برای فعالیت های کینه توزانه و پیراهن عثمان نمودن، پاره ای از انحرافات، ساخته و پرداخته بودند را، افشا و روشن می سازد.

تکنیک عکاسی

آندریاس نی نیگر  
ترجمه: نصرالله کسرائیان  
انتشارات: شبگیر

۴۸۰ صفحه - ۲۲۰ ریال

در زمینه هنر عکاسی و فتو ژورنالیسم، شاید کمتر کتابی بدین حد جامع و کامل در مورد عکاسی نوشته شده باشد، این کتاب از کلی ترین مسایل عکاسی تا جزئی ترین آنها، با زبانی ساده و روان، بازگو میکند. پارامی از مطالبی که در کتاب می خوانیم عبارتند از: اهمیت دیدن واقعیت از دریچه چشم دوربین، ابزار کار و مواد اولیه، طرز عکس گرفتن، سبب های عکاسی، مشخصات عکس های با ارزش، طرز ظهور و چاپ فیلم و...

مشمول این سندیکا میشود.

هدف سندیکا

- ۱- دفاع از آزادی اندیشه و نشر آزاد اندیشه.
- ۲- دفاع از آزادی خلاقیت هنری.
- ۳- دفاع از استقلال هنر از سازمان های رسمی.
- ۴- دفاع از منافع صنفی اعضا خود.
- ۵- تامین و ایجاد شرایط مناسب جهت آفرینش های هنری و فرهنگی.
- ۶- تصفیه فضای فرهنگی از فرصت طلبان و فرصت طلبی ها و مبارزه با کسان یا گروههایی که از هنر برای مقاصد خصوصی و جاه طلبانه استفاده میکنند.
- ۷- فعالیت در راه دفاع و حمایت از تشکیل سندیکاهای سراسری کارگری غیر وابسته در ایران.
- ۸- فعالیت در راه ایجاد اتحادیه ای از سندیکاهای غیر وابسته هوند.



# چرا کارگران پروژه‌های با اخراج خود مخالفند

کارگران فصلی و پروژه‌ای که دوران قبل از انقلاب طعم تلخ بیکاری فصلی را چشیده بودند، آنهاکه تنها ماههایی از سال را کار می‌کردند و ماههای دیگر را بیکار و سرگردان پدنیال کار از این شهر به آن شهر در سفر بودند، آنهاکه با شرایط سخت و دشوار در دست پیمانکاران خارجی و دلالت داخلی شان بکارگمارده می‌شدند و بعد از تمام شدن پروژه‌ها و طرحها، بدون هیچگونه ضمانتی برای اشتغال دوباره، بدون دریافت حق بیکاری و مزایای دیگر از طرف پیمانکاران اخراج می‌شدند امروز بیکاری را صدچندان بیش‌تر از گذشته چون زخمی بر زندگی خود حس می‌کنند.

اگر کارگران پروژه‌ای و فصلی در گذشته وسیله‌ای ارزان در دست پیمانکاران و شرکت‌های خارجی و وابستگان داخلی شان برای کسب سود هرچه بیشتر بودند، اگر این کارگران در گذشته بعنوان کارگران پیمانی، از هرگونه حقوق و مزایای کارگران رسمی محروم بودند و اگر زندگی آنان وابسته به دلالت بود امروز با فرار بسیاری از پیمانکاران وابسته، با فرار پیمانکاران خارجی، با تعطیل شدن پروژه‌ها و طرحها در سراسر کشور، اکنون بعد از جنش خونین توده‌های زحمتکش ایران، بعد از مبارزات آنان، نه تنها نتوانسته‌اند شرایط دشوار کارگران پروژه‌ای را تغییر بدهند بلکه این کارگران پدنیال تعطیل شدن پروژه‌ها چون سیلی عظیم بیکار روانه مرکز شده‌اند. زیرا آنان می‌خواهند که هرچه زودتر نه تنها مسئله بیکاری سه میلیون و نیم کارگر بیکار را حل کنند بلکه می‌خواهند طرحها و پروژه‌ها اینبار بدست دولت دوباره در دست اجرا قرار گیرد و می‌خواهند که اینبار کارگران پروژه‌ای و فصلی چون کارگران رسمی بکارگمارده شوند. شرکت‌های بسیاری مانند مدیران، هالپر تون، من تافی، دیدن بکس، پارسو تیر جردن، پرسی یزیون و... شرکت‌های حفاری و ساختمانی در مسجد سلیمان، اهواز، آغا جاری، کرمان، خرمشهر، اصفهان و بسیاری دیگر از شهرها تعطیل شده‌اند و در این میان صدها هزار کارگر بیکار گردیده‌اند.

گرچه بیکاری عمده‌ترین مشکل کارگران پروژه‌ای و فصلی می‌باشد اما شرایط کار این کارگران نیز هنوز تغییر نکرده است. چند روز پیش خواندیم که هزاران کارگر پیمانی آبادان که در شرکت نفت کار می‌کرده‌اند می‌خواهند رسمی بشوند و بنا طفره رفتن شرکت نفت از رسمی کردن، آنان هم اعتصاب کرده‌اند. و اکنون در مقابل خود نامه‌ای داریم تحت عنوان: «چرا کارگران شرکت‌های حفاری با اخراج خود مخالفند؟» روزهای قبل نیز همچنان خبر پشت خبر که کارگران پروژه‌ای یا به اخراج خود اعتراض کرده‌اند و یا به شرایط سخت کارشان.

به این ترتیب شرایط زندگی و کار کارگران نه تنها تغییری با قبل از انقلاب نکرده است که بر مراتب دشوارتر شده است چرا که حالا مشکل غول‌آسایی بنام بیکاری پیش روی خود دارند. غولی که هر روز پرواز می‌شود و زندگی کارگران را تهدید به نابودی می‌کند. آیا کارگرانی که تا دیروز توسط شرکت‌های وابسته و پیمانکاران و دلالت بکارگمارده می‌شدند امروز که همه آنان گریخته‌اند، حق ندارند که از دولت موقت انقلاب بخواهند که طرحها توسط خود دولت با اجرا درآید تا این همه کارگر بیکار نشوند؟

کارگرانی که تا دیروز، هر روز را با وحشت از بیکاری، می‌گذراندند، کارگرانی که هیچ ضمانتی برای کار دائمی نداشتند، آیا اکنون حق ندارند که از دولت موقت بخواهند تا زیر پوشش دولت قرار گرفته و بطور رسمی به کارگمارده شوند، آیا حق ندارند که بخواهند بعد از انقلاب، بعد از مبارزات طولانی، دیگر باز بچه دست دلالت و پیمانکاران نباشند، دیگر زندگی شان هر روز با بروز بیکاری در خطر نباشد؟ و آیا کارگران که برآستی هم مهم ترین بخش فعال انقلاب بودند نمی‌بایست که اکنون هم آنان از ثمرات انقلاب بهره‌گیرند؟

## مصاحبه بایک کارگر اکیباتان (۲) آن روزها همه با هم بودیم

س- این نماینده‌ها را تمامشون رو خودتون انتخاب کردین.  
ج- دو تا شونو فکر کنم خود کارگرها انتخاب کردن.  
س- این نماینده‌های کارگر شما خودشون چکاره‌اند؟  
ج- حالا که کار نمی‌کنن، دونفرشون قبلا کار می‌کردن سرکارگر بودن. فعلا نماینده شدن.  
**شرکت در انقلاب**  
س- شما تو دوران انقلاب هیچوقت در تظاهرات خیابانی شرکت داشتین.  
ج- بله. من خیلی شرکت کردم. حتی در دانشگاه تهران هم اونشب که چندتا زندانیان سیاسی بیرون آمده بودن بودم بعد هم بودم. شعار می‌دادم.  
س- شعارهای تظاهرات خیابانی که شما شرکت داشتین در مورد کارگران هم بود.  
ج- در مورد کارگران؟ والله... خوب می‌گفتمن مرگ بر شاه، خمینی رهبر ماست. یکبار هم توی تظاهراتی شعار می‌دادیم «شاه سک زنجیری آمریکا» از این شعارها می‌دادیم دیگر.  
س- آیا کارگرهای شما هم بودند آیا برخورد مسلحانه هم توی تظاهرات از طرف ارتش شده بود؟  
ج- بله چند نفر از کارگرمون بودند، یکروز هم تو

# کارگری

## کارگران پارسونز جردن در هشتمین روز تحصن: تا باز گرفتن حقوق خود به تحصن ادامه می‌دهیم

در صورتیکه هر روز تعداد کارگران متحصن در دفتر شرکت پارسونز جردن افزایش می‌یابد و در آتاقهای کم‌حجم و شش‌نفری بدون برخورداری از کمترین امکانات رفاهی زندگی کرده‌محل غذاخوریشان در کانتینرهای کثیف و غیر بهداشتی و غذایشان فاقد ارزش غذایی بوده، بارها شاهد زورگویی سرپرست‌ها و مهندسیان آمریکایی بودند که از بهترین امکانات رفاهی و تفریحی استفاده می‌کردند و حقوق‌های کلان در مقابل کمترین فعالیت می‌گرفتند.

این کارگران شرایط وحشتناک گذشته را یکبار با مبارزه خود طرد کرده‌اند و هم‌اکنون راضی به بازگشت تحت وضعیت سابق نیستند هم‌اکنون خودآمدگی ادامه یقیه کارها را دارند به همین جهت از دولت می‌خواهند با سلب مسئولیت از شرکت غارتگر پارسونز جردن تحت مدیریت و نظارت دولت خود آغاز به کار کنند تا هم از سویی کارگران سرکار خود بازگردانده شوند و از سوی دیگر سرمایه صرف‌شده برای تاسیسات شرکت ملی صنایع مس ایران بی‌صرف نماند.

کارگران این شرکت در زمان اشتغال یکبار برای بهبود شرایط کار و زندگی خود دست‌بااعتصاب زده و با دخالت ژاندارمری و ساواک روبرو شده بودند. روزیکشنبه ۱۰ تیر با حضور نمایندگان کارگران و چند تن از مسئولان شرکت ملی صنایع مس ایران صورت‌جلسه‌ای مبنی بر شرایط پرداخت حقوق عقب‌افتاده کارگران که هنوز وضعیت مشخصی ندارند و کارگرانی که به هنگام تسویه حساب مزایای کامل خود را نگرفته‌اند تنظیم یافته و در آن قید گردیده است که تا پرداخت نکردن حقوقشان به تحصن ادامه خواهند داد.

کارگران تحت شرایط ناگواری با محروم ماندن از حق اولاد - حق بدی آب و هوا - حق سرویس، پاداش و عیدی و حق خواربار، امکانات رفاهی و

# توافق درباره کارگران بدون حضور کارگران

دربی پافشاری کارگران کنبند برای رسیدگی بخواست‌های صنفی خود توافق زیر بیسن نمایندگان وزارت کار، کار- فرمایان و فرماندار، روسای کاربایی و رئیس اداره کار به اتفاق آرا حاصل شد. (قبل از ذکر موارد ۱۵ گانه توافق بهتر است به سئوالی که برای ما مطرح شد اشاره‌ای کنیم. آیا عدم وجود نام نمایندگان کارگران اشتباهات صورت گرفته و یا واقعا در این جلسه در مورد خواست‌های کارگران بدون حضور کارگران توافق شده؟):

توافق حاصل از طرف فرمانداری به کارخانجات کنبند بخشنامه گردید:  
۱- تشکیل کلاس آموزشی در کارخانه.  
۲- تهیه و برقراری دفترچه بیمه درمانی در مورد تمام کارگران، چه در مورد کارگرانی که دفترچه بیمه دریافت کرده‌اند و چه در مورد آنهایی که خواستار تعویض دفترچه بیمه‌های اجتماعی به دفترچه درمانی هستند.  
۳- استخدام کارگرانی که از اول شهریورماه ۱۳۵۷ به بعد اخراج شده‌اند و در مدت اخراج تمام حقوق و مزایای پرداخت‌نشده ضمن برگشت به سرکار از حقوق و مزایای بیکاری استفاده خواهند کرد.

۴- چون مبلغ دستمزد پرداختی به کارگران بنابه خواست کارگران و طبق قطعنامه صادره از طرف آن پائین بود و بعد از رسیدگی هیئت اعزامی از طرف وزارت کار و رئیس اداره کار محل، این خواست تأیید شد و بعد از پیشنهاد به کارفرما مورد توافق قرار گرفت که از اول اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ حقوق و اضافه‌کار پرداختی بابت ۱۱ ساعت کار، طبق آخرین لیست فروردین ۱۳۵۸ در مقابل ۸ ساعت کار

پرداخت گردد، این توافق اجرای قانون جدید قابل اجراست - در مورد سرویس یا رفت و آمد قرار شد کارفرما نظر شورای کارگران در کار از اول خرداد ماه ۱۳۵۸ بر نماید که در هر صورت باتوجه خود کارگران می‌باشد.  
۶- در مورد سود ویژه باتوجه بخواست کارگران برابر قاعده به نسبت تولید موافقت شد در مورد تمام کارگران شامل قانون پرداخت گردد.  
۷- در مورد مسائل رفاهی و مسکن و غذای و ناهار و مسائل مربوط قرار شد که شوروی کارگران باتماسس کارفرما هرچه زودتر اقدام و عمل نماید و مسئولیت این کار با اعضا شوروی موقت کارگران باشد.  
۸- در مورد اخراج کارگر از طرف کارفرما بعد از این تاریخ قوانین موجود کار قابل توجه است.

۹- در مورد لباس کارگرانی سالی دو دست لباس کار باید کارگران داده شود.  
۱۰- در مورد حق مسکن توافق شد که طبق قانون اجرا گردد.  
۱۱- در مورد حق اولاد برابر قانون تأمین اجتماعی قابل اجراست.  
۱۲- در مورد خوابگاه برابر قانون قابل اجراست.  
۱۳- در مورد اوقات بیکاری تحمیلی، قرار شد حقوق توسط کارفرما پرداخت گردد و در مورد ایام مرخصی برابر قانون تأمین اجتماعی قابل اجراست.  
۱۴- در مورد چگونگی وضعیت کارگر فصلی برابر مقررات قانون کار فصلی تا اجرای قانون جدید عمل خواهد شد.  
۱۵- در مورد تعطیلی يك روز در هفته کارگران باتوافق طرفین یکی از ایام هفته خواهد بود.

## آزادیهای سیاسی واجتماعی تجزیه پذیر نیست

ویک زن. توی این بیکاری مادرم فوت کرده. ولی من گرفتارم. پس من مجبورم برم یا توی وزارت کار بشینم یا در کارخانه بشینم. بگم یا منو بکشین یا حقوقمو بدین یا بذارینم سرکار، کارکنم. پس باید یه کاری بکنم چه کار کنم راه حلش چیه؟ اون موقعی هم که کار می‌کردم همش بدهکار بودم ولی الان یک نفر کارگری مثل من که ۲۳۰۰ تومان حقوق می‌گرفتم حساب کنید ۷ ماه بیکارم. من چکار می‌توانم بکنم؟  
س- فکر می‌کنین به شما کارگرها از انقلاب چه رسید.  
ج- والله ما هر روز می‌شنویم که این انقلاب شده برای مستضعفین، ولی من فکر می‌کنم که از من مستضعفتن دیگه نیستن. یعنی هستن خیلی هم مستضعفن ولی می‌بینم تا به الان هیچ کمکی به من نرسیده.  
س- شما این انقلاب را به خاطر چه کردید؟  
ج- خوب هرکسی انقلاب کرده هم بخاطر اسلام کرده هم بخاطر بهتر شدن زندگی. انقلاب کرده تا مسلمانی باشه کسی نتونه به دیگران زور بگه و حق اونارو بخوره.  
س- بعد از انقلاب وضعت بهتر شده.  
ج- روراست بگم نه. من ۲۳۰۰ تومان حقوق می‌گرفتم حالا به هرکجا میرم میگه باید صبر کرد درست میشه والله نمی‌دونم چطور صبر کنم. فعلا که ۷ ماهه بیکارم.  
س- شما فکر می‌کنین بجای اینکه ۸ میلیارد دلار به سرمایه‌دارها بدن و اونارو رو برگردونن، همه چیز را در اختیار کارگر می‌گذارن صنایع را ملی می‌کردن، همه چیز را واقعا ملی می‌کردن و سرمایه‌دارها را بیرون می‌کردن وضع بهتر می‌شد.  
ج- خوب ما کارگریم. حتما بهتر بود. ما خیلی زیاد هستیم در اون صورت هم وضعمون خوب می‌شد و هم کار می‌کردیم و این گرفتاریها تمام می‌شد.

۲۵ اسفند که بودیم، گازاشک‌آور ریختن، تیر خالی کردن حتی در تظاهرات تو خیابون سعدی هم من بودم، ۴ نفر رو پیش من اونجا کشتن. من دیدم. من خودم تو اون تظاهرات بودم.  
س- تو اون تظاهرات فقط مذهبی‌ها بودن؟  
ج- اون روزها همه بودن، چپی و مذهبی نداشت. همه تظاهرات می‌کردن، همه می‌جنگیدن اون موقعی که ما تظاهرات می‌کردیم همه برادر بودیم، دیگر چپی و غیر چپی جدا نبودن.  
**بعد از انقلاب**  
س- خوب حالا که میگن مرگ بر چپی، مرگ بر کمونیست نظرت چیه.  
ج- نباید اینا اینطوری باشه. این خوب نیست.  
س- فکر می‌کنی اونایی که حمله می‌کنن کارگر باشن.  
ج- من فکر نمی‌کنم این حمله‌ها کار کارگرها باشه.  
س- شما بعد از انقلاب اعتصاب داشتین؟ حالا درخواست هاتان چیه.  
ج- آره بعد از انقلاب اعتصاب داشتیم، در مورد حقوق‌مان تو اعتصاب از اینکه سندیکا باید داشته باشیم و نماینده را باید خودمان انتخاب کنیم حرف می‌زدیم.  
س- حالا چه کسانی توی اعتصاب هستند.  
ج- اونایی که طرفدار سرمایه‌دارها هستند دیگه توی اعتصابها شرکت نمی‌کنند. آنها با ما مخالفت می‌کنند. خود سرمایه‌دارها که از اولش هم با اعتصاب مخالف بودند.  
س- نظرتان در مورد تحصن‌ها و اعتصابهای بعد از انقلاب چیه.  
ج- چه بگم. من الان مجبورم تحصن بکنم. یا یه کاری بکنم دیگه. چون الان ۷ ماهه که بیکارم با داشتن ۵ فرزند







